

سخن سردبیر

مطالعه تحلیلی تاریخ طب قدیم در مشرق زمین که به حق باید آن را گاهواره تمدن دانست و توجه به پزشکی ایران باستان و دوران تمدن اسلامی که سهم بزرگی در پیشبرد پزشکی داشته، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و در این رهگذر باید توجه خویش را به مباحثی معطوف داشت که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در سیر مطالعه تاریخ پزشکی ضرورت دارد تا ضمن بررسی روند تندرستی و بیماری انسان‌ها و کلیه فعالیت‌های مربوط به آن در ازمینه سابق به تاریخ زندگانی افرادی که عهده‌دار حفظ و انتقال این امر خطیر بوده‌اند نیز توجه شود.

از نکات مهم دیگر در بررسی روند تاریخ پزشکی این است که نباید قضاوت درباره نظرات پزشکی قرون گذشته را با معیارهای علمی امروز انجام داد، بلکه لازم است خود را در وضع زمانی و مکانی دوره مورد نظر قرار داد و فلسفه حاکم بر آن عصر را دریافت تا بتوان به درستی نظرات مزبور را فهمید. از این رو می‌توان به‌خوبی درک کرد که چرا طب بابلی بیشتر صفت کهنات و جادویی داشته، طب یونانی بیشتر جنبه فلسفی و طب قرون وسطی نیز رنگ مذهبی بخود گرفته و طب دوره تجدد جنبه علمی و تجربی یافته است؛ از این لازم است که تاریخ‌نگاران پزشکی بی‌طرفانه به ثبت و ضبط تاریخ پزشکی بپردازند و حتی‌المقدور از پیش‌داوری‌ها و تعصبات و انحراف شخصی به دور باشند. نقش ارزنده آنها در این است که گذشته‌ای را که دیگر وجود ندارد، دوباره برای ما ترسیم می‌نمایند و با استناد بر منابع و مدارک به دست آمده، آن را برای ما زنده می‌کنند؛ هر چند برخی بر این باورند که توجه به علوم قدیمی و تتبع در آن از

جمله پزشکی و تاریخ آن در زمان کنونی ضرورتی ندارد. جرج سارتن از مورخین معروف تاریخ علم اذعان دارد که متأسفانه بسیاری از دانشمندان برای تتبعات تاریخی ارزش قائل نیستند و آن را سرگرمی کم اهمیتی می دانند. دلیلی که اقامه می کنند این است که بهترین قسمت های علوم قدیم اکتباس گردیده و جزء علوم روز شده است، بقیه قابل فراموشی است و به عبث نباید حافظه خود را با آن خسته کنیم و بارش را زیاد نماییم.

به آسانی می توان فهمید که پایه های این استدلال محکم نیست؛ چون هیچ کس نمی تواند تضمین کند و اطمینان دهد که بهترین قسمت های علوم قدیم انتخاب شده و در این انتخاب درست عمل شده است. بعلاوه چون علم همواره در تکامل است و نظریه های جدید هر روز در آن وارد می شود، ممکن است عقیده ای که دیروز به آن اهمیتی داده نمی شده امروز یا فردا مهم و قابل استفاده شناخته شود. بعلاوه ممکن است وقایعی که دیروز فقط بویی از آنها برده شده بود امروز در نظریه جدیدی داخل گردد و باعث پیشرفت آن شود؛ چنانکه این نوع رد پا در پیشرفت بسیاری از شاخه های پزشکی مشهود است. پس تاریخ، راهنمای ماست و فهرستی است که بی کمک آن، هر انتخاب و ترکیب تازه و بر طبق روش جدید، به زحمت میسر خواهد بود.

به عبارت دیگر برای آنکه به ارزش واقعی آنچه داریم پی ببریم، باید بدانیم که پیشینیان ما چه داشته اند. برای انجام این مهم نخست باید از تحولات تاریخی تمدن و علم، به ویژه سیر تکامل دانش پزشکی در طی قرون و اعصار سخن بگوییم تا معلوم شود پزشکی کنونی از کجا منشأ گرفته و چه تحولاتی پیدا کرده تا به وضع امروزی درآمده است.

حکیم دانشمند، محمدعلی فروغی در فصل اول از جلد اول کتاب «سیر حکمت در اروپا» می‌گوید:

«هر چند این مسأله هنوز حل نشده و شاید هیچ گاه به درستی روشن نشود که تمدن و دانش و حکمت در کدام نقطه روی زمین آغاز گردیده ولیکن تمدنی که امروز به دستیاری اروپاییان در جهان برتری یافته بی گمان دنباله آن است که یونانی‌های قدیم بنیان نهاده و آنها خود مبانی و اصول آن را از ملل باستانی مشرق زمین یعنی مصر، سوریه، کلد، ایران و هندوستان دریافت نموده‌اند.»

به گفته بوايه فرانسوی، یکی از اساتید تاریخ، اصول عقاید پزشکان قدیم به منزله مخزنی است که می‌توان حقایق سودمندی از آن استخراج کرد. مشروط بر اینکه با کمال دقت تحت بررسی قرار گرفته، مطالب صحیح را از غلط جدا کنند. مطالعه دقیق در این اصول هوش را برمی‌انگیزد، غریزه انتقاد را تحریک می‌کند، شخص را به تجسسات علمی وامی‌دارد، بنای علم را از هر لحاظ محکم می‌کند، دانشمندان را وادار می‌سازد که در مطالب علمی و اصول عقاید تجدید نظر کرده و به آنها مبانی محکمتری بدهند. هر عقیده علمی به منزله شعاع نوری است که به اطراف قضیه مورد بحث می‌تابد، این اصول عقاید را به وسیله انتقادات صحیح و منطقی با هم جمع و تلفیق کرده و از مجموعه آنها طرح نوینی بریزند. خلاصه آنکه اصول عقاید و سیستم‌های مختلف علمی قدیم خدمت بسیار گرانبهائی انجام می‌دهند به شرط آنکه بررسی کننده، مطالعات عمیق و دقیق از علوم قدیم و جدید داشته و ارزش هر مطلب و هر علمی را بدون اینکه در آن راه افراط و تفریط ببیند، بداند.

در خاتمه باید افزود که یکی از منابع مهم تاریخ پزشکی، طب سنتی است که نقش بسیار مهمی در انتقال طب و توسعه تاریخ آن داشته است. سنتهای قدیمی

پزشکی هنوز در بسیاری از ممالک زنده و متداول است. در هندوستان میلیون‌ها نفر از مردم به شیوه طب سنتی هندی یا آیورودا و یا روشهای یونانی اسلامی درمان می‌شوند. در چین و قسمتی از آسیای جنوب خاوری نیز هنوز همان طب اسلامی قرون وسطی رواج دارد. در ایران نیز هنوز قسمت زیادی از مردم از طب بومی و سنتی ایرانی استفاده می‌کنند.

در چنین کشورهایی تاریخ پزشکی را نمی‌توان فقط در کتاب جستجو کرد. بلکه آن را باید به صورت شفاهی در زندگی مردم بازشناخت. البته این قسمت از مطالعه باید با احتیاط انجام شود، چون در انتقال شفاهی احتمال تحریفات وجود دارد، پس این نوع طب که به نوعی رنگ فولکوروی به خود گرفته اگرچه منبع مورد اعتمادی نمی‌تواند باشد اما گویای بعضی از حقایق است که با عقاید مردم مخلوط شده و در هر عصر و زمان چیزی به آن اضافه یا از آن کم شده است و مطالعه آن روی هم رفته برای فهم گذشته مفید به نظر می‌رسد.

پس تاریخ پزشکی می‌تواند وسیله‌ای برای فهم زندگی پزشکی باشد؛ چنانکه تاریخ وسیله فهم زندگی به طور عموم است. تاریخ پزشکی همچون راهنمایی است که به ما هم گذشته و هم حال و هم آینده پزشکی را می‌آموزد.

سردبیر